

سقوط جاسون

پایانی برای
قهرمان پوشالی

مرگ ملکه الیزابت

ضربه‌ای به نهاد
سلطنت در انگلیسسیاستمداری در
دوره‌ای بدوبتدر

داسیلوا رئیس جمهور برزیل شد

یک بازگشت جنجالی
و باشکوه

رئیس‌کنی اسپرینقشه آمریکا

نتیجه بازی
در زمین ناتو

یادداشت

اکبر معصومی، کارشناس مسائل بین‌الملل

چراغ سبز معنادار

ابوظبی به کاخ کرملین



رصد تحولات بین‌المللی بعد از جنگ اوکراین نشان می‌دهد آمریکا با عدم پیش‌بینی واقعی از تحولات آینده، نتوانست با

سیاست تحریم، روسیه را وادار به عقب‌نشینی کند. ویسایت اینتجنلس آنلاین در گزارشی به این منظور فاش کرد که میخائیل رابینوویچ، تاجر برجسته روسی که روابط عمیقی با مقامات دولتی روسیه از جمله شخص پوتین دارد، رئیس شعبه جدید لوکو بانک روسیه است که به زودی در امارات تأسیس می‌شود. این رخداد در کنار فعال سازی کریدور شمال-جنوب و همراهی چین در خرید انرژی از روسیه نشان می‌دهد آمریکا با انتخاب رویکرد تحریمی در قبال کشورها، از کشور تاثیرگذار تبدیل به رقیبی برای کشورهای تحریمی شده است. به عبارتی کشورهای همچون روسیه نسبت به تحریم‌های آمریکا، همواره می‌کوشند که با تدابیر گوناگون با رفتار آمریکا مقابله کنند و هیچ‌گاه تسلیم آمریکا نشوند و این یعنی آمریکا با تحریم برای خود رقیب تراشی می‌کند.

براین اساس به نظر می‌رسد در کنار کشورهای مختلفی همچون چین، عربستان، بلاروس، بعضاً ترکیه، سوریه و... امارات متحده عربی نیز قصد دارد به بازاری برای شرکت‌ها و نهادها روسی که تحت تحریم‌های غرب و آمریکا قرار گرفته‌اند، تبدیل شود. واکاوی و رصد از تأسیس این بانک در امارات بیانگر ایجاد روزنه‌ای برای موسسات مالی روسیه و همچنین ارائه خدمات لجستیک به آنهاست تا به این ترتیب مسکو بتواند تاثیر تحریم‌های آمریکا و غرب را کاهش داده و راه جدیدی برای واردات، صادرات و تجارت با کشورهای مختلف پیدا کند. علل و عوامل مختلفی نسبت به همراهی امارات با روسیه که برخلاف رویکرد آمریکاست مطرح شده که مهم‌ترین آنها خلف وعده آمریکا در فروش جنگنده‌های اف ۳۵ به امارات در ازای صلح آبراهام و عادی سازی رابطه بین امارات و رژیم غاصب صهیونیستی و عدم کمک آمریکا به این کشور نسبت به حملاتی است که سال گذشته یمنی‌ها در عمق خاک امارات انجام دادند.

دره بین

سعید سیحانیا، گروه بین‌الملل

آب پاکی بشار اسد
روی دست اردوغان

یکی از تحولات مهم در سال ۱۴۰۱ بویژه در منطقه غرب آسیا تحولاتی بود که در ارتباط با سوریه رخ داد. در سال ۱۴۰۱ و خصوصاً در ماه‌های پایانی سال، برخی کشورهایی که پیش از ۱۰ سال تمام تلاش خود را برای سرنگونی دولت بشار اسد به کار گرفته بودند مطمئن شدند که از این مسیر، نتیجه‌ای حاصلشان نخواهد شد و به همین دلیل سیاست گذشتگی خود را کنار گذاشته و به عادی سازی روابط با دمشق روی آوردند. کشورهایی که در راس آنها می‌توان به عربستان سعودی اشاره کرد. ترکیه هم که در سال‌های گذشته یکی از اصلی‌ترین حامیان مخالفان دولت سوریه بود در ماه‌های گذشته پیام‌های مثبتی ارسال و تمایل خود به عادی سازی روابط را اعلام کرده است. البته این اقدام ترکیه تنها محدود به سوریه نیست و رجب طیب اردوغان که قیاس است در اردیبهشت ماه برای حضور مجدد در کاخ ریاست جمهوری به رقابت با سایر کاندیداهای ریاست جمهوری ترکیه بپردازد تلاش دارد از طریق عادی سازی روابط با کشورهایی که در سال‌های گذشته روابط دو جانبه با آنها مشکلاتی داشته، آرای مردم ترکیه را به خود جلب کند. تلاش برای بهبود روابط با

کشورهایی چون مصر و عربستان سعودی در همین چارچوب انجام شد. اما در مورد سوریه، شرایط کمی متفاوت است زیرا دمشق برای عادی سازی روابط شرط‌هایی را مطرح کرده که اگر اردوغان مایل به عادی سازی روابط با سوریه است باید به این شرط‌ها عمل کند؛ شرط‌هایی که در صدر آنها خروج نیروهای ترکیه از خاک سوریه مطرح است. مقامات سوریه بارها بر این شرط تأکید کرده‌اند و بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه نیز در مصاحبه‌ای که اخیراً با شبکه روسی «آرتی» داشت بار دیگر بر این مسأله تأکید کرد. رئیس‌جمهور سوریه در واکنش به اخبار مربوط به دیدار احتمالی او و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه گفت: اولویت خروج نیروهای خارجی و غیرقانونی است. منظور من نیروهای ترکیه و آمریکاست. ما برای دیدار با اردوغان شروطی مطرح نکردیم. مسأله خروج از خاک سوریه یک مسأله ملی است، نه سیاسی. ما با فشاری داریم که یک دستور کار روشن وجود داشته باشد یا سوریه بر بند خروج بیگانگان تأکید داشته باشد. اولویت اردوغان انتخابات است و نه چیز دیگر. اما برای سوریه، اولویت خروج نیروهای خارجی و بازرگانی حاکمیت به حالت عادی است. بشار اسد همچنین بیان کرد: اگر مسأله خروج از سوریه باعث پیروزی اردوغان در انتخابات خواهد شد، ما مشکلی نداریم. اگر شروط رعایت شود، هیچ زمان مشخصی برای دیدار با اردوغان وجود نخواهد داشت و ممکن است این دیدار امروز باشد یا فردا. مسأله زمان نیست. وزیر دفاع ترکیه بهتر بود که حقیقت را بگوید، واقعیت این است که پیش از جنگ این دو کشور مشکلی در مرزها نداشتند. نقض امنیت که اکنون در حال رخ دادن است، به علت سیاست‌های ترکیه و به طور مشخص سیاست‌های اردوغان است.

گفت‌وگوی «جام جم» با صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل

جهان در سالی که گذشت

سال ۱۴۰۱ هجری شمسی با همه فراز و نشیب‌های خود به پایان رسید. در این سال، شاهد وقوع حوادث گوناگونی در نظام بین‌الملل بودیم که برخی از آنها قابل پیش‌بینی و برخی دیگر با توجه به سرعت وقوع و دامنه تاثیرگذاری آنها غیر قابل پیش‌بینی بوده است. بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۲ شمسی، شاهد استمرار این گونه وقایع در قاسوس سیاست خارجی بسیاری از کشورها باشیم. آنچه در این میان اصالت دارد، مربوط به حوادثی است که بیش از همیشه نظام بین‌الملل را هم در سطح دولت‌ها و ملت‌ها تحت تاثیر قرار داده و دامنه آنها نیز صرفاً معطوف به یک سال اخیر نمی‌شود. در این خصوص جام جم نظر برخی صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل را در خصوص شرایط جاری در جهان امروز (با تمرکز بر وقایع یک سال اخیر) جویا شده است.

محمدعلیزاده
گروه بین‌الملل

سقوط جاسون

استفان لندنم، دانش‌آموخته دانشگاه هاروارد و تحلیلگر حوزه روابط بین‌الملل در خصوص تحولات جاری در آمریکا در طول یک سال اخیر به جام جم می‌گوید: «باید به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا سرنوشتی بهتر از ترامپ نخواهد داشت. من قبلاً نیز اشاره کرده بودم که انتقال قدرت میان دو حزب دموکرات و جمهوریخواه، اساساً تاثیری در بهبود شرایط جاری در آمریکا نخواهد داشت زیرا هر دوی این احزاب، در حقیقت دو شاخه از یک حزب محسوب می‌شوند. بحران‌های داخلی در آمریکا و نارضایتی از نظام حاکم در این کشور نیز جدی‌تر از هر زمان دیگری است زیرا نیازهای اساسی و واقعی مردم در ساختاری که سرمایه‌داران رقم زده‌اند تأمین نمی‌شود. بحران‌های یکساله اخیر آمریکا را باید در همین قالب مورد تحلیل قرار داد. من بحران‌هایی که امروز دولت آمریکا با آن دست و پنجه نرم می‌کند از جمله جنگ اوکراین و بحران مالی در کشور را برگرفته از ساختار میویوب حکمرانی در آمریکا می‌دانم و در همین چارچوب به آن نگاه می‌کنم.»

استفان لندنم
تحلیلگر آمریکایی؛

بایدن هم مانند ترامپ

شکست می‌خورد

ریچارد فالك، گزارشگر سابق
حقوق بشر سازمان ملل متحد؛

تراژدی یمن

باید پایان یابد

ناصر قنديل
سردبير نشریه البناء؛

موازنه قدرت در منطقه

دیگر به سود آمریکا نیست

عدنان منصور
وزیر خارجه لبنان؛

اوکراینی‌ها در اعتماد به

آمریکا دچار اشتباه شدند

فادی بودیه
سردبير نشریه المرأيا؛

نتانیا هو محکوم

به نابودی است



فادی اسماعیل بودیه، سردبیر نشریه المرأیا، یکی از مهم‌ترین وقایع سال جاری را بحران‌های عمیق و بنیادین در اراضی اشغالی قلمداد می‌کند؛ بحران‌هایی که امروز در اراضی اشغالی مشاهده می‌کنیم به تمام معنایی سابقه هستند. این وقایع نشان‌دهنده تهنیت شدن صهیونیست‌ها و حرکت سریع آنها به سوی سقوط و اضمحلال است. این بحران‌های درونی نشان می‌دهد که ظاهرسازی مقامات رژیم اشغالگر قدس در قبال قدرت تل‌آویو، دیگر حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز خریداری ندارد! «وی در ادامه می‌گوید: «شکست نتانیا هو در سال پیش رو، قطعی به نظر می‌رسد. او حتی اگر بتواند اصلاحات قضایی مدنظر خود را در تل‌آویو اجرایی سازد، با اعتراضات و خشم عمومی دست و پنجه نرم خواهد کرد و در نهایت، سرنوشتی جز کنارگیری از قدرت ندارد، خصوصاً این که نظرسنجی‌های داخلی در اراضی اشغالی نیز به ضرر اوست. با این حال، خروج نتانیا هو از قدرت به بحران‌های داخلی در تل‌آویو و حیفا پایان نخواهد داد زیرا این بحران‌ها به تازگی آغاز شده است!»

تأملی بر رویکرد یکساله غرب در جنگ اوکراین

گره کور آتلانتیکی‌ها در کی‌یف

به کی‌یف راندارد! این درحالی است که اساساً مطابق اصل «واسطه‌گری» در نظام بین‌الملل، یکی از اصلی‌ترین پیش‌شرط‌های واسطه‌گری، عدم حمایت مطلق بازیگر با بازیگران میانجی از یکی از طرف‌های نبرد است. چینی‌ها در طول یک سال اخیر، هیچ‌گاه در رای‌گیری شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه روسیه رای مثبت یا منفی نداده‌اند اما رای آنها در اکثر موارد منتعق بوده است. رای منتعق چینی‌ها نشان می‌دهد که آنها در عین مخالفت با ماهیت جنگ اوکراین، حاضر به همراهی با سیاست‌های سلبی و مداخله‌گرایانه آمریکا و اتحادیه اروپا در شعله‌ور ساختن آتش جنگ نبوده‌اند. اتفاق همین رویکرد بینابین، مقدمه و پیش‌شرط مهم واسطه‌گری پکن در جنگ اوکراین محسوب می‌شود. آنچه در طول یک سال اخیر در جنگ اوکراین نمود پیدا کرده، مربوط به نوعی سردرگمی راهبردی در ناتو است که با سپری شدن زمان، بر ابعاد و گستره آن افزوده می‌شود. این سردرگمی، به همان راهبرد کلان‌ناتو در جنگ اوکراین مربوط می‌شود. این راهبرد «فقط جنگ» یا «هم جنگ هم صلح» یا «نه جنگ نه صلح» بوده است؛ به عبارت بهتر، در قاسوس راهبردی

استراتژی «هم جنگ هم صلح» در حال تبدیل به راهبرد غالب بازیگران غربی در جنگ اوکراین است؛ با این حال بر اثر فقدان دانش استراتژیک و حتی عدم فهم حداقلی مولفه‌های تاکتیکی جاری در میدان نبرد

توسط اعضای ناتو، این استراتژی هنوز عرصه‌ای برای بروز پیدا نکرده و عملاً آمریکا و بازیگران اروپایی ناتو صرفاً تمرکز بر «جنگ» و متعلقات آن هستند. در این میان شاهد از بین رفتن قدرت مدیریت صحنه نبرد از سوی غربی‌ها هستیم. موضوعی که حتی نارضایتی برخی اعضای اروپایی ناتو از جمله ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان را نیز برانگیخته است. ارائه طرح صلح پیشنهادی چین در قبال جنگ اوکراین، با واکنش سلبی و بعضاً مبهم اعضای پیمان آتلانتیک شمالی مواجه شده است. پیش‌استونلنبرگ دبیرکل ناتو مدعی شده پکن به دلیل محکوم نکردن روسیه در جنگ اوکراین، صلاحیت ارائه طرح صلح پیشنهادی

حنیف فغاری
دبیر بین‌الملل

سقوط جاسون



به ضرر اوکراینی‌ها. انعقاد پیمان صلح در برهه کنونی خروجی مدنظر سران ناتو نخواهد داشت. سوم این‌که اختلافات میان اعضای پیمان آتلانتیک شمالی بر سر ادامه سیاست هم‌صلح هم‌جنگ، به نقطه اوج خود رسیده است. به عنوان مثال، مقامات کراسوا، یونان، سوئیس و مجارستان بارها تأکید کرده‌اند که قدرت ریسک‌پذیری آنها در قبال حمایت تسلیحاتی از اوکراین محدود است و آنها نمی‌توانند بی‌مجاوب‌آورد این عرصه شوند. در هر حال، امروز سران پیمان آتلانتیک شمالی بیش از هر زمان دیگری با کلیه واژه صلح بیگانه هستند؛ فراتر از آن، سران پیمان آتلانتیک شمالی که با اصرار بر گسترش ناتو نقش مولد و آغازگر جنگ اوکراین را ایفا کرده‌اند، اکنون قدرت ذهنی، عملیاتی و تحلیلی